

سیره دینی عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

انعم زهرا عمرانی^۱، طاهره سپهریان^۲

چکیده

بشریت درانتظار یک منجی جهانی است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین وارث پیامبر صلی الله علیه و آله و خلیفه خدا در زمین است. چون مأموریت اصلی حضرت، تحقق کامل دین پیامبر صلی الله علیه و آله است در این مقاله با استفاده از منابع مهدویت و کلامی، ویژگی‌های دینی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند احیای دوباره اسلام، برداشتن تقیه، اصلاح انحرافات، بازگشت به قرآن و حاکمیت فراگیر دین اسلام بررسی می‌شود. چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای برافراشتن پرچم اسلام و حاکمیت قرآن در تمام جهان ظهور خواهد کرد، روش حکومتی ایشان، بر اساس قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام خواهد بود. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حاکم کردن توحید و فرهنگ اسلامی بر جامعه جهانی و از بین بردن زمینه‌های ظلم و فساد و فقر، توفیقی بزرگ و بی‌مانند در ساختن جامعه بشری یافته، همه علل و عوامل ناسازگاری‌ها و تضادهای اجتماعی را از بین برده و با عرضه اسلام راستین، راه هرگونه اختلاف و تفرقه را خواهد بست.

واژگان کلیدی: عصر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصلاح انحراف، حاکمیت اسلام، برداشتن تقیه.

۱. مقدمه

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان کامل و خلیفه خدا بر روی زمین و آخرین وارث پیامبر صلی الله علیه و آله است. همان طور که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار تزکیه افراد جامعه، تشکیل حکومت مبتنی بر تعالیم اسلام بوده، وجود نازنین ایشان نیز وظیفه تشکیل حکومت عدل الهی را بر عهده دارد. تشکیل این حکومت با تکیه بر احکام الهی هدایت‌گر بشر در هر عصر و زمان خواهد بود. علت پرداختن به این موضوع در عصری که عقاید، ایمان، جان، مال و ناموس مردم در خطر است، ارتقای بینش افراد و نیازهای فکری عموم افراد جامعه نسبت به حکومت عدل الهی است. به یقین می‌توان گفت که آغاز نهضت تألیف پیرامون مهدویت با ظهور نهضت تدوین حدیث در تاریخ اسلام در میانه قرن دوم هجری

۱. دانش‌آموخته کارشناسی کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از پاکستان.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی مطالعات اسلامی، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از ایران.

هم زمان بوده و پیش از این تاریخ بوده است؛ زیرا به نظر می‌رسد که پیش از آن تاریخ، کتاب‌هایی مستقل درباره مهدویت، توسط شیعیان نوشته شده است. به دلیل اهمیت موضوع و نیاز جامعه در بسیاری از مقالات، ویژگی‌های دینی عصر ظهور بررسی شده است، اما در این مقاله کوشش شده تا با جمع‌آوری اطلاعات به صورت مفصل‌تر، چند خصیصه اصلی حکومت دینی آن حضرت به صورت دسته‌بندی جدید ارائه شود.

۲. سیره دینی عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین حجت الهی بر روی زمین است. سیره دینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، همان سیره جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ زیرا مأموریت اصلی ایشان، تحقق کامل دین پیامبر صلی الله علیه و آله و تعالی و شکوفایی جامعه دینی در عصر ظهور است. اگرچه اکمال و اتمام دین از نظر بیان و تبلیغ با بعثت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکل گرفت، اما در زمان ایشان، شرایط برای اجرای کامل آن به نحو جهانی و برای جمیع بشریت فراهم نبوده است، پس اجرای کامل آن در سطح جهانی به وسیله آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌شود.

۳. احیای دوباره اسلام

چندین هزار سال است که بشر به خاطر چشم‌پوشی و زیرپا نهادن ندای فطرت، سرشت خداپرستی خود را به زنگارهای جهل و نادرستی پوشانده و به جای کرنش در بارگاه قدس خداوند، سر تسلیم در برابر نابکاران فرود آورده است. برای همین، مصیبتی برای زندگی دنیوی خود فراهم کرده که هرچه بیشتر در گرد این گرداب بگردد، نابودی دنیا و آخرت خود را بیشتر فراهم می‌کند، ولی خدای تعالی وعده فرموده که در آینده، این انسان سرگشته، دوباره به سوی حضرت یزدان بازگشته و ندای عقل و وجدان را به گوش جان شنیده و با سفیر الهی هم‌سو می‌شود. (برنجیان، ۱۳۸۰، ص ۸۸) چنانکه فرمود:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .

او کسی است که رسولش را با دین حق و هدایت فرستاد تا دین خود را بر همه ادیان چیره گرداند، هر چند مشرکان نپسندند. (توبه: ۳۳)

در روایت آمده که امام صادق و امام باقر علیهما السلام درباره آیه

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ .

ای مومنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آیین همه دین

خدا گردد». (انفال: ۳۹) فرمودند: تأویل آیه هنوز نیامده و در زمان قائم عجل الله فرجه دیگر مشرکی روی زمین نمی ماند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۰۳/۲)

این وعده تخلف ناپذیر الهی است، یعنی دین مرضی او بر همه ادیان پیروز می شود و ظفرمندان بر عالم و آدم، فروغ توحید می افکند به گونه ای که فرزندان آدم، دینی جز دین واحد نداشته باشند، همان دینی که پسند او باشد و چنین دینی جز اسلام نیست: «... وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (مائده: ۳). آیه اظهار دین حق بر کل ادیان، خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر شدن این آیین می دهد؛ زیرا آیه مطلق بوده و دلیلی بر محدود کردن آن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته، ولی روشن است که این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناختن این آیین در کشورهای مختلف اروپایی و نفوذ سریع آن در آمریکا، آفریقا و...، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند اینها، همگی نشان می دهد که اسلام، رو به سوی عالم گیر شدن دارد. طبق روایات، این برنامه، هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۷۳-۳۷۲)

در کتاب *اکمال الدین* شیخ صدوق از امام صادق ع روایت شده: «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم عجل الله فرجه خروج کند. در هنگام قیام او در تمام جهان، کسی که خدا را انکار کند، نخواهد ماند». در آیه «... وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى...» (نور: ۵۵). نیز تمکین دین، کنایه از ثبات دین و تزلزل ناپذیری آن است و اینکه دین در جامعه، مورد عمل قرار گرفته و هیچ کفری جلوگیری آن نشود و امرش را سبک نشمارند؛ اصول معارفش مورد اعتقاد همه باشد و درباره آن اختلافی نباشد. در این هنگام است که اخلاص در عبادت، عمومیت پیدا کرده و بنیان هر کرامتی، غیر از کرامت تقوی منهدم می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۱۵۲). بنابراین، هدف نهایی، عبادت خالی از شرک است که در آیه دیگری از قرآن به عنوان هدف آفرینش ذکر شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

البته توجه به این نکته لازم است که عبادت خالی از هرگونه شرک و نفی هر قانون غیر خدا، جز از طریق تأسیس یک حکومت عدل، امکان پذیر نیست. ممکن است با استفاده از تعلیم و تربیت و تبلیغ مستمر، گروهی را متوجه خلق کرد، ولی تعمیم این مسئله در جامعه انسانی، جز از طریق تأسیس حکومت صالحان با ایمان، امکان پذیر نیست. برای همین، بزرگترین فکر انبیا، تشکیل چنین حکومتی بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۵۳۳) محمد بن عجلان، عن ابی عبدالله ع قال:

إذا قام القائم ع دعا الناس إلى الإسلام جديداً وهداهم إلى أمر قد دثرو ضل عنه الجمهور وإنما سمى القائم مهدياً لأنه يهدى إلى أمر مضلول عنه وسمى القائم لقيامه بالحق.

چون قائم عَلَيْهِ السَّلَام ما قیام کرد مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده اند، هدایت می کند. آن جناب، مهدی نامیده شده، چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می شود و قائم نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۰/۵۱)

در روایت دیگری، درباره احیای دینی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام آمده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:
 قَالَ يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أُمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ
 الْإِسْلَامَ جَدِيدًا.

همان کاری که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام داد، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام انجام می دهد. بدعت های موجود را خراب می کند، چنان که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اساس جاهلیت را منهدم کرد. آن گاه اسلام را از نو بنا می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۵۲/۵۲)

بدون شک در این گونه روایات، مراد از تجدید اسلام، آیین تازه و راه و روش جدیدی غیر از اسلام نیست؛ زیرا همان گونه که تمامی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام از سنت و سیرت واحدی برخوردار بوده اند و شیوه زندگی همه امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام بر پایه سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استوار بوده، دین و سیره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز چیزی جز همان دین و سیره جدش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نخواهد بود. (صمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴) بنابراین، تعبیرهایی مانند آیین نو و جدید و روش تازه، برای آن است که احکام و معارف فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام در گذشته بنا به عللی تبیین نشده و یا متناسب با سطح فرهنگ و فکرات اجتماعات گذشته نبوده و یا زمینه عملی آنها وجود نداشته است. بازگویی چنین معارف و علوم و مسائلی، بی گمان برای جامعه اسلامی ناشناخته خواهد بود و چون امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام این تعالیم را از ظاهر و باطن قرآن استنباط کرده و به مردم می آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب جدید انگاشته می شود. چون بسیاری از اصول و احکام دینی از نظر معنوی یا موضعی دگرگون شده، امام آنها را چنان که در اسلام اصیل بوده، دوباره مطرح کرده، تحریف ها را روشن می کند و این با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و علم سازگاری ندارد، پس برنامه جدید و راه و روش تازه حساب می شود (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۷۵).

بر این اساس، معنای آیین تازه و کتاب جدید، این چگونگی هاست، پس می توان گفت که بیشترین مسائلی که امام به آنها توجه کرده و برای جامعه های اسلامی، تازه و جدید جلوه می کند، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است، یعنی موضوعی که انسان گذشته سخت نیازمند به آن بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل داده و اجرای آن، یعنی برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی از اقدام های اصلی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود. (حکیمی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۵) بنابراین، سیره دینی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

بر اساس حاکمیت دین اسلام و اجرای عدالت استوار است. در دولت عدل مهدوی، اندیشه واحدی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر جهان حاکم می‌شود و راه و روش و برنامه‌ها نیز یکی است و مردم به سوی سعادت و صالح حرکت می‌کنند (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۷۶).

یکی از احتمال‌ها در ذهن برخی مردم سطحی‌نگرین است که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور، دین و شریعت جدیدی غیر از دین اسلام می‌آورد. همان‌طور که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از دین مسیح، دین جدیدی آورد و حضرت عیسی علیه السلام پس از حضرت موسی علیه السلام دینی جدید ارائه کرد. در میان دانشمندان امامیه، کسی این احتمال را قبول ندارد و این، تصور نادرست برخی از مردم سطحی‌نگر است که برخی از مخالفان شیعه امامیه به آنها نسبت می‌دهند. (قفاری، ۱۴۳۱، ۵۱۰/۲) این احتمال، هرگز پذیرفتنی نبوده و به طور قطع، مردود است؛ زیرا روایتی وجود ندارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین یا شریعتی جدید می‌آورد، بلکه وصف جدید و امثال آن صفت، برای چند امر ذکر شده که در زیر بیان می‌شود.

- امر جدید: «جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ». (مفید، ۱۴۱۴، ۳۸۴/۲)

- کتاب جدید: «قَوْمٌ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ». (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۳۸)

- سنت جدید: «قَوْمٌ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ». (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۳۵)

- قضای جدید: «يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ... وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ». (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۵۵)

- سلطان جدید: «يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ... وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ». (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۷۰)

- دعوت جدید: «يَسْتَأْنِفُ الدَّاعِيَ مَتَا دَعَا جَدِيدًا كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ». (مجلسی، ۱۳۶۳، ۱۹۴/۱۳)

ولی هیچ روایتی نیست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دین یا شریعت جدیدی می‌آورد. باید به گونه‌ای تفسیر شود که با اصول قطعی و مسلم اسلام، مانند ختم نبوت و جامعیت شریعت، که امامیه نیز به آن معتقد است، ناسازگار نباشد. مراد از کتاب جدید نیز همین قرآن است و البته ویژگی‌هایی مانند ذکر اسباب نزول، تفسیر صحیح و بیان برخی مصادیق و زیرمجموعه‌ها نیز همراه آن است.

(طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۱۶/۱۲؛ عاملی، ۱۴۱۰، ص ۵۶)

هیچ یک از روایات بیان شده به این سخن که آنچه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن دعوت می‌کند، دین جدیدی است، دلالت ندارد. دومین دلیل این است که اگر چنین روایاتی هم وجود داشته باشد با قرآن، سنت و اجماع مسلمانان سازگار نیست. قرآن، سنت، ضرورت اسلام و اجماع مسلمین بر ختم نبوت است. در این صورت از جمله روایاتی خواهد بود که مخالف قرآن و سنت است و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام باید روایات مخالف با قرآن و سنت را کنار گذاشت، پس از درجه اعتبار ساقط است. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده:

إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيْقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ.

همانا هر مطلب حقی، نشانه‌ای و هر مطلب درستی، نورانیتی دارد. به هر چه باقرآن سازگار بود، چنگ زنید و هر چه را باقرآن مخالف بود کنار بگذارید. (برقی، ۱۳۳۰، ۲۲۶/۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ؛ هر مطلبی با کتاب و سنت سنجیده می‌شود و هر حدیثی که باقرآن سازگار نبود سخنی بی‌اساس است». (برقی، ۱۳۳۰، ۲۲۱/۱) در نتیجه، صدور چنین روایاتی از معصومان علیهم السلام محرز نیست.

سومین دلیل اینکه در صورت محرز شدن نیز صدور چنین روایاتی از معصوم علیه السلام باید به گونه‌ای تفسیر شود که با ادله معتبر قطعی ناسازگار نباشد. چگونه می‌توان گفت مراد این است که حضرت، شریعت جدیدی می‌آورد در حالی که روایات فراوانی وجود دارد که مفاد آنها این است که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف به قرآن، شریعت و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کند، بدعت‌ها در دین را از بین می‌برد و سنت صحیح دینی را احیا می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اِسْمُهُ اِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ سَمَائِلُهُ سَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيْعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ اِلَى كِتَابِ رَبِّي.

قائم از فرزندانم است. اسمش با اسم من، کنیه‌اش با کنیه من، شکل و شمایلش با شمایل من و سنتش با سنت من یکی است. مردم را به دین و شریعت من هدایت می‌کند و مردم را به کتاب خدای من فرا می‌خواند. (صدوق، ۱۳۶۳، ص ۴۱۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ۲۲۷/۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جای دیگر می‌فرماید:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ اَهْلِ بَيْتِي وَ يَعْمَلُ بِسُنَّتِي وَ يُنْزِلُ اللهُ لَهُ الْبَرَكَةَ مِنَ السَّمَاءِ وَ تُخْرِجُ الْاَرْضُ بَرَكَتَهَا وَ ثَمَلًا بِهِ الْاَرْضُ عَدَلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

شخصی از اهل بیتم قیام می‌کند و به سنت من عمل می‌کند. خداوند برکت را از آسمان فرو می‌فرستد و زمین برکتش را برون می‌ریزد. خداوند به واسطه او، زمین را همان طور که از ظلم و جور پر شده بود از عدل پر می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۸۲/۵)

۴. برداشتن تقیه

یکی از ویژگی‌های دینی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف برداشتن تقیه است. تقیه، یعنی پرهیزکردن، پرهیزکاری و پنهان کردن مذهب خویش. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۶۰۳۹) تقیه در اصطلاح، یعنی کتمان

حق و پوشاندن اعتقاد خود در مورد آن، پنهان کاری در مقابله با مخالفین و ظاهر نکردن اموری که ضرر دینی یا دنیوی به همراه داشته باشد. (زنجانی، ۱۳۷۰، ۲/۲۴۱) تقیه، یعنی مخفی کردن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن به جهت مصلحتی که مهم تر از مصلحت اظهار آن است. با توجه به معنای تقیه، اهدافی که برای آن ذکر شده را می توان در موارد زیر خلاصه کرد.

- برای ذخیره نیروها (تقیه محافظ)؛

- برای مکتوم کردن برنامه (تقیه تاکتیکی)؛

- برای حفظ دیگران (تقیه ایمنی بخش) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۷۶-۸۰)

در اینکه تقیه، حکمی عمومی است یا اختصاص به غیر معصوم دارد، اختلاف است. بیشتر عقیده دارند که امامان معصوم علیهم السلام نیز به دلیل مصالح یا اهدافی که ذکر شد، تقیه کرده اند و روایات فراوانی هست که حاکی از تقیه ائمه علیهم السلام است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۶/۲۶۴ و ۳۱۶) در توقیعی از ناحیه مقدسه آمده است:

اما اینکه چرا غیبت واقع شده است، خداوند فرمود ای مؤمنان از چیزهایی که اگر پاسخش را بدانید خوشایند شما نیست، پرسش نکنید. همه پدران من تقیه کرده و با طاغوتیان زمان، بیعت کردند، ولی من در پس پرده غیبت قرار گرفته ام تا بیعت طاغوتیان بر گردنم نباشد و در هنگام خروج، آزادانه قیام کنم. (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۷۳)

در مقابل، برخی از دانشمندان معاصر شیعه، منکر تقیه ائمه شیعه شده و آنها را تنها آمرین به تقیه دانسته اند؛ زیرا می گویند امامان، عالم به واقعیت و کیفیت وفات خود بوده و نیازی به تقیه نداشتند. (مجله نور علم، بی تا، ص ۵۱۵) تقیه حضرت مهدی علیه السلام را می توان در دو دوره بررسی کرد؛ دوران غیبت صغری و دوران ظهور و قیام.

دوره غیبت صغری حضرت، سال های (۲۶۰-۳۲۹) را شامل می شود. در این دوره، امام به وسیله چهار نائب خاص با شیعیان خود در ارتباط بود و همه آنها به نوعی تقیه کرده و در حقیقت از جانب امام عصر علیه السلام مأمور به تقیه بودند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۳۴۴-۳۵۶) اما اینکه خود حضرت تقیه کرده باشند، دلیلی در دست نیست؛ زیرا حضرت به ظاهر در میان مردم نبودند و دسترسی به ایشان فقط برای افراد خاصی ممکن بود. به همین دلیل خطری هم متوجه حضرت نبود تا بخواهد تقیه کند، اگرچه می توان اصل غیبت آن حضرت را هم نوعی تقیه دانست. در بعد تقیه فقهی نیز از آن حضرت، روایات مختلفی با عنوان توقیعات یا نامه ها در کتب مختلف ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۳/۱۵۷).

عصر ظهور امام مهدی علیه السلام عصر اقتدار و عظمت شیعه در جهان است. در عصر تقیه که به

خاطر حفظ جان شیعه به عنوان روشی اضطراری در طول تاریخ شیعه بر پیروان اهل بیت علیهم السلام حاکم بود با ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخت بر بسته و جامعه شیعی در اوج شکوه و عزت زندگی خواهند کرد. در آن زمان، زمینه‌ای برای تقیه نمی‌ماند. مهمترین دلیل بر تأیید این مدعا این است که تقیه در اصل، برای حفظ جان و ترس از خطری است که ممکن است برای خود یا دیگران پیش آید و این حالت برای هر شخص در هر زمانی ممکن است اتفاق بیفتد، اما زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمان غلبه و قهر و سیطره قدرت الهی به دست اوست و قدرت‌های دیگر همه مغلوب و مغلوب این قدرتند، دیگر ترس از جان و مال در کار نیست. بنابراین، در این زمان تقیه مفهومی ندارد. در حقیقت علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آن حضرت با وجود غیبت از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان آزاد می‌شود و تعهد و بیعت با هیچ حاکمی را برعهده ندارد تا بتواند در زمان قیام خود آزادانه تلاش کند. دیگر امامان از روی تقیه، حکومت‌ها را به رسمیت می‌شناختند، ولی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مأمور تقیه نیست، پس با حکومت‌ها و طاغوت‌های زمان بیعت نمی‌کند و اگر غیبت آن حضرت نباشد، این امر شدنی نیست. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۲۷۲)

علامه محمد باقر مجلسی در این زمینه می‌گوید: «در زمان ظهور حضرت، امنیت در همه جا فراگیر است. از هیچ کس و هیچ چیز ضرر یا خطری متوجه کسی نمی‌شود و به طور کلی ترس از میان می‌رود». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۳۸۴) گذشته از روایات، گروهی از مفسرین امامیه آیه ۵۵ سوره مبارکه نور را درباره حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر می‌کنند.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

و خدا به کسانی که از شما (بندگان) که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده که قطعاً آنها را در روی زمین جانشین (خود) کند و حکومت بخشد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنها بودند، مانند مؤمنان قوم نوح و قوم هود و صالح و قوم یونس، جانشین ساخت و حتماً آن دینی را که برای آنها پسندیده است (دین اسلام) برای آنها مستقر و استوار سازد و بی‌تردید حال آنها را پس از بیم و ترس به امن و ایمنی تبدیل کند به طوری که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر که پس از این نعمت بزرگ کفران ورزد، چنین کسانی به حقیقت نافرمانند. (نور: ۵۵)

علامه در *المیزان* درباره این آیه بعد از بحث مفصل می‌گوید:

وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا می‌شود با هیچ مجتمعی قابل انطباق نیست و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست

دارد، هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده، دنیا از روزی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبعوث به رسالت شده تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند در روزگار مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى خواهد بود.

چون اخبار متواتری که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه متوجه مجتمع صالح باشد، نه فقط حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۱۹/۱۵-۲۰۹)

۵. اصلاح انحرافات

بعد از ظهور امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و مبارزه ایشان با انحرافات فکری و عقیدتی از طریق روشنگری و استدلال و تسخیر قلب‌ها و گستردن عدالت و محبت و نیز نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و اقتدای او به حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى در بیت المقدس، تمامی مسیحیان و بسیاری از پیروان دیگر ادیان به اسلام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى، ایمان می‌آورند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲، ۱۸۲-۱۸۴) در زمانی اندک، دین واحدی بر جهان حاکم خواهد شد و پرچم اسلام در تمامی نقاط جهان به اهتزاز در خواهد آمد.

حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى با حاکم کردن توحید و فرهنگ اسلامی بر جامعه جهانی و از بین بردن زمینه‌های ظلم و فساد و فقر در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی‌مانند دست می‌یابد و همه علل و عوامل ناسازگاری‌ها و تضادهای اجتماعی را که علت اصلی آن در اختلاف عقاید و ارزش‌ها نهفته است از بین می‌برد و با عرضه اسلام راستین، که آثار عمل به آن به طور عینی و ملموس برای همگان روشن می‌شود، راه هرگونه اختلاف و تفرقه را خواهد بست. (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۹۵)

از کارکردهای مهم دیگر حکومت امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى در عرصه دینی، زدودن بدعت‌ها، تصحیح انحرافات و حذف برداشت‌های غیراسلامی و نادرستی است که به نام اسلام و به مرور زمان به جامعه القا شده و در مبانی دین، تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. از روایت‌هایی که حرکت‌های فکری و فرهنگی حضرت را در عصر ظهور بیان می‌کند، دریافت می‌شود که در این روزگار، توجیهات، تأویلات، تحریفات، انحرافات و پیرایه‌ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید کرده و ساخته‌های ذهنی مدعیان دین به عنوان باورهای دینی ترویج می‌شود. (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۲) با نگاهی گذرا به آیات و روایات عصر حکومت امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى دو ویژگی مهم و اساسی اصلاحات ایشان دریافت می‌شود. اول اینکه اصلاحات و سامان بخشی‌های حکومتی امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى، جهانی است و در بردارنده سعادت، امنیت و آرامش برای همه انسان‌ها در تمام این کره خاکی

خواهد بود (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۹۱). ابی الجارود از امام باقر ع نقل کرده که آن حضرت فرمود:

الْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابُهُ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ
أَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّقْفَةَ الْحَقُّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرُ لِلظُّلْمِ.

حضرت مهدی ع و یاران او هستند که خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد کرد و دین را به دست آنها غالب می‌کند و باطل و دین‌های ساختگی را به همت او و یارانش از میان برمی‌دارد، چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است به طوری عدالت گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند. (قمی، ۱۴۰۴، ۸۷/۱؛ حویزی، ۱۳۷۰، ۵۰۶/۳)

این روایت تصریح می‌کند که حضرت مهدی ع و یاران با وفای ایشان، بر شرق و غرب این گیتی تسلط خواهند داشت؛ زیرا ظاهر تعبیر مشارق الارض و مغاربها همین است. دوم آنکه، اصلاحات امام زمان ع مطابق با فطرت و ذات خداجوی انسان هاست و در قوانین آن هیچ‌گونه تبعیض و برتری نژادی وجود ندارند و تمامی جامعه بشری در برابر آن یکسان هستند. به همین دلیل، افشار و توده‌های مستضعف جهان که بیشترین جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در سایه این اصلاحات، خشنود و خرسند خواهند زیست. (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۹۱)

درباره اصلاحات در عرصه دینی، منظور این نیست که مردم فقط در گوشه خواهند نشست و به عبادت و دعا و نیایش می‌پردازند، بلکه منظور اصلاحات همه جانبه است. برای مثال امروز در جامعه، اقتصاد مشکلی اساسی است، ولی در حکومت حضرت مهدی ع این مشکل حل خواهد شد؛ زیرا یکی از برنامه‌ها و اقدامات مهم حضرت مهدی ع اصلاحات اقتصادی و معیشتی و پدیدآوردن رفاه در جامعه بشری است. آیات و احادیث مربوط به عصر ظهور، حاکی از آن است که در سراسر زمین، جامعه‌ای یکپارچه و منسجم تشکیل می‌شود که همه افرادش مثل یک خانواده با هم و در کنار هم در کمال صمیمیت، زندگی می‌کنند و عوامل اصلی فقر و بیچارگی، گرسنگی و مظلومیت، چپاول و غارت ثروت‌ها از بین خواهد رفت. تردیدی نیست که بدترین اسارت برای بشر، فقر و گرسنگی است که لحظه‌ای آسایش و آرامش برای وی باقی نگذاشته و زمینه‌های رشد و تکامل علمی و معنوی او را نابود می‌کند و همواره انسان را در اندیشه سیرکردن شکم و پوشاندن بدن و دست‌یابی به سایبان و بهبودی از درد و بیماری، گرفتار می‌کند و فرصتی باقی نمی‌گذارد تا انسان به نیازهای روحی و معنوی بیندیشد و برای رشد علمی خویش اقدامی انجام دهد. (سقازاده، ۱۳۸۵، ص ۲۸)

با اصلاحات اقتصادی امام زمان ع، بشر از این اسارت جان‌سوز فقر و تبعیض‌رهایبی یافته

و از بند مشکلات و گرفتاری‌ها آزاد می‌شود و به تکامل و رشد علمی و معنوی می‌اندیشد و در راه آن گام برمی‌دارد. در احادیث عصر ظهور، اصلاحات اقتصادی و رفاه مردم جهان از جمله مسائلی است که به آن بسیار تأکید شده و با این اصلاحات، نابسامانی‌ها سامان یافته، نیازها برآورده شده و رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی بر تمامی زوایای زندگی بشری پرتو خواهد افکند. حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف سالی دو بار به مردم، مال می‌بخشد و در ماه نیز دو بار، امور معیشتی مردم را تأمین می‌کند تا نیازمندی به زکات پیدا نشود، تا جایی که مردم، زکات مالشان را در کیسه‌ها می‌گذارند و کنار کوچه قرار می‌دهند، ولی کسی پیدا نمی‌شود آنها را بردارد و استفاده کند. ثروت‌های غصب شده نیز از غاصبان گرفته می‌شوند و حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف حق هر حق داری را گرفته و به او می‌دهد، حتی اگر زبردندان غاصبان باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۴/۵۲؛ عیاشی، بی تا، ص ۶۴/۱) به طور کلی، اصلاحات اقتصادی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد.

- به استخدام گرفتن ثروت‌های زمین و بهره‌برداری از آنها به نفع تمام جامعه جهانی.
- گرفتن ثروت‌های غصب شده و اموال بادآورده و استفاده از آنها برای ارتقای سطح زندگی انسان‌ها.

- برقراری عدالت اجتماعی و مساوات، همراه با برنامه‌ریزی درست و صحیح برای آسایش و آرامش انسان‌ها. (سقزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۸)

برای دست‌یابی به خودکفایی و رفاه در منابع زیرزمینی و استخراج و بهره‌برداری از آنها، باید از تمام امکانات وطن انسان، یعنی زمین بهره‌برداری شود. بسیاری از ثروت‌ها و مواد لازم برای زندگی از معادن به دست می‌آید. این معادن و مواد دیگری که برای بشر امروز شناخته شده نیست در دوران ظهور، بهره‌برداری می‌شوند. (هاشمی شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و یظهر الله له کنوز الارض و معادن‌ها؛ خداوند برای قائم عجله الله تعالی فرجه الشریف گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌کند» (نجفی، ۱۴۲۸، ص ۷۸۰). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و تخرج له الارض افالید کبدها و تلقی الیه سلما مقالیده‌ها؛ زمین آنچه را در اعماق خویش دارد برای وی بیرون دهد و همه امکانات و برکات خویش را در اختیار او گذارد» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۴۲۵).

واضح است که وقتی ولی خدا حکومت می‌کند از آسمان و زمین روزی وافر نصیب مخلوقات می‌شود. همچنین برای تشکیل جامعه واحد جهانی، وحدت دینی مردم جهان، یکی از ضروریات است. ادیان مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم گوناگون به طور قطع در صورت نقش داشتن در اداره جوامع، سبب تفرقه و ناسازگاری اجتماعی و مانع وحدت و یگانگی خواهند بود؛ زیرا دین

و جهان بینی، زیربنای تفکر و روابط اجتماعی انسان است. (سقا زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۸) یکی از زیباترین مراحل اصلاحات دینی و فرهنگی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه رشد عقلی انسان ها و تکامل علم و دانش است. انسان در بعد عقلی و رشد فرهنگی، سیری طولانی داشته و زحمات زیادی در این راه، متحمل شده و دستاوردهایی نیز داشته است، ولی کوشش انسان در مسیر تکامل و رشد، بیشتر به بعد مادی جهان و زندگی انسان، معطوف بوده و در مسائل ماورای طبیعی، پیشرفت چندانی نداشته و همچنان مجهولات بی شماری پیش روی اوست.

در حقیقت، شناخت انسان از جهان های ماورای طبیعت، هنوز بسیار محدود، اندک و رازآلود است و متخصصان رشته های گوناگون علوم بشری با این همه پیشرفت به دستاوردهای اندک و ناچیز علوم در این زمینه ها اعتراف دارند. از سوی دیگر، چون هدف از خلقت انسان، رشد و تکامل علمی و معرفتی اوست، باید روزی این هدف، تحقق یابد. بدون شک، این مهم در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه تحقق یافته و بشر به محضر استاد و معلمی راه می یابد که به خاطر اتصال به منبع علم، هیچ مجهولی در عالم برایش وجود ندارد و هدف او پرده برداری از مجهولات و ارتقای انسان ها تا اوج تکامل علمی و عقلی است. (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۹۵) امام صادق علیه السلام می فرماید: «علم و دانایی از ۲۷ حرف تشکیل می شود. تمام آنچه پیامبران تا کنون آورده اند دو حرف است و مردم تا کنون بیش از دو حرف را نشناخته اند. آن گاه که مهدی ما قیام می کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۳۶/۵۲). این حدیث، حقایق علمی را به صورت تمثیل بیان کرده و به دنبال این است که قبل از ظهور، هر چه پیشرفت شود، باز هم بعد از ظهور، حقایق علمی دیگری کشف می شود که به برکت آن مردم به بلوغ عقلی و فکری خواهد رسید.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه مردم را به دانش های یقینی و درست، هدایت کرده، شناخت ها و معارف ناب و خالص را برای آنان به ارمغان آورده و تمام نقطه های ابهام و سرگردانی در علوم را محو خواهد کرد و در سایه حکومتش، علم و عقل انسان ها آنچنان متحول می شود که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت می کنند. (نعمانی، ۱۴۲۲، ص ۲۳۹) این حدیث به وضوح بر این مطلب دلالت می کند که علم در آن زمان، همان علم کتاب و سنت است و از این منبع، علوم دنیوی و اخروی استخراج شده و مردم به اجتهاد خواهند رسید و تقلید، یا خیلی کم می شود یا به آن نیاز نخواهد بود.

۶. بازگشت به قرآن

قرآن، کتاب آسمانی است که تا قیامت باقی مانده و بشر را به سعادت ابدی راهنمایی می کند، ولی

متأسفانه امروز بشر قدر این سفره الهی را نشناخته و بیشتر مردم، منکر قرآن هستند و کسانی که بروحیانی بودن قرآن اعتقاد دارند هم از عمل به قرآن و فهم آن، بسیار فاصله گرفته‌اند. بدیهی است که بدون راهنمایی از قرآن، آرمان حکومت اسلامی بر جهان محقق نخواهد شد. چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای برافراشتن پرچم اسلام و حاکمیت قرآن در تمام گیتی ظهور می‌کند، روش حکومتی اش نیز بر اساس قرآن، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام خواهد بود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن، سنت و شریعت نبوی را اساس و پایه تمام امور در حکومت خود قرار داده و با تمام قدرت برای اجرای احکام الهی تلاش می‌کند و به هیچ کس اجازه تخطی از این حدود را نخواهد داد. (اسدعلی زاده، ۱۳۸۵، ص ۹۲) قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

أَلْقَائِي مِنْ وُلْدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي. يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از اولاد من است. اسمش اسم من و کنیه اش کنیه من و شکل و شمایلش شکل و شمایل من و روشش، روش من است. او مردم را بر ملت و شریعت من نگه می‌دارد و آنها را به سوی کتاب خداوند عزوجل دعوت می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۳/۵۱)

امام علی علیه السلام در مورد تعلیم درست و آموزش همگانی قرآن در عصر ظهور فرمود:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ صَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ. گویا شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام را می‌بینم که در مسجد کوفه گردآمده‌اند و خیمه‌هایی برافراشته‌اند و در آنها قرآن را آن چنان که نازل شده است به مردم یاد می‌دهند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶۶/۵۲)

بنابراین، محور حرکت نهضت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن است و آن حضرت با تعلیم قرآن، آن را سرمشق زندگی انسان‌ها قرار خواهد داد. حضرت علی علیه السلام در بیان احوال زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الْأَرَى عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی‌گرداند، زمانی که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند و رأی را به قرآن برمی‌گرداند، زمانی که مردم قرآن را به رأی و اندیشه مبدل کرده باشند. (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸)

از این دو روایت مشخص می‌شود که در عصر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعلیم قرآن و تفسیر قرآن، مورد اهتمام ویژه قرار خواهد گرفت و تفسیر به رأی، جایگاهی نخواهد داشت. امام صادق علیه السلام

می فرماید: «هنگامی که قائم ظهور کند، امر جدید و کتاب جدید و رفتار و قضاوت تازه، پدیدار می شود که بر عرب سخت است.» (عاملی، ۱۴۲۵، ص ۷/۷۵) در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته شده و احکامی از قرآن و اسلام، بر اساس میل مردم تأویل و تفسیر می شود. بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می شود که گویا از اسلام نبوده است. وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرد، بدعت‌ها را ابطال کرده و احکام خدا را همان طور که صادر شده ظاهر می کند. حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند و معلوم است که چنین برنامه‌ای، برای مردم تازگی دارد. مردمی که از کان و اصول مسلم اسلام را رها کرده به بعضی ظواهر آن اکتفا کرده‌اند. در بازار و کوچه و خیابان و خانه، اثری از اسلامشان نیست. صفات زشت در نظرشان هیچ اهمیتی ندارد، محرمات الهی را با حیل‌های گوناگون جایز می شمارند. از قرآن، فقط به ظواهر قرائت اکتفا می کنند و اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود و به آنان بگوید شما از حقیقت و گوهر دین به دور افتاده‌اید و آیات قرآن و احادیث پیغمبر صلی الله علیه و آله را برخلاف واقع تفسیر و تأویل کرده‌اید، چرا حقیقت اسلام را رها کرده به ظواهرش قناعت کردید؟ شما اعمال و رفتارتان را با دین تطبیق نکرده‌اید، باید دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام را عمل کنید و خلاف واجب را انجام دهید و فلان بدعت را رها کنید، چنین دین و برنامه‌ای برایشان تازگی داشته از آن وحشت می کنند و اسلامش نمی دانند؛ زیرا اسلام را جور دیگر تصور کرده بودند. (ملاحسنی، ۱۳۸۱، ص ۲۱)

در عصر حکومت ایشان همه این مسائل از طریق اعجاز حل می شود؛ چرا که اعجاز، حکم یک استثنا را دارد و برای مواقع ضروری و مخصوصاً اثبات حقانیت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله است، نه برای تنظیم زندگی روزمره و جریان عادی زندگی که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجزه استفاده نکرده است. بنابراین، مسیر حکومت جهانی او از همان نمونه است نه اعجاز. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۷۹-۸۳) در نتیجه به دلیل پیرایه‌هایی که زمامداران نالایق و دیگران در طول تاریخ به اسلام بسته‌اند و بدعت‌ها و تحریف‌های بی شماری که وارد آن شده‌است، امام می‌کوشد حقیقت را آشکار کند. با این حال، مردم می‌پندارند مکتب جدید، روش جدید و قضاوت جدیدی به جز اسلام آمده است. پس سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام است.

۷. حاکمیت فراگیر دین اسلام

با عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها توحید و معنویت و ایمان به الله و پرستش یگانه معبود حقیقی عالم، سراسر جهان را می‌گیرد، بلکه توحید ناب و کامل عالم‌گیر شده و دین اسلام، بر سرتاسر کره زمین گسترش پیدا کرده و دین رسمی جهان، خواهد شد. رفاعه بن موسی می‌گوید از

امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه ۸۳ سوره آل عمران فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، زمینی نمی ماند مگر اینکه در آنجا بانگ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بلند می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۳۴۰)

در مورد جهانی شدن اسلام و غلبه آن بر سایر ادیان در قرآن آمده است:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

اوست خداوندی که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه ادیان غالب گرداند، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند. (توبه: ۳۳)

در آیه دیگر آمده است:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده که خلافت روی زمین را به آنها خواهد بخشید، همان گونه که به پیشینان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پابرجا و مستقر کند. (نور: ۵۵)

در آیه سوم نیز آمده است: «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم». (مائده: ۳)

آنچه از این آیات دریافت می شود این است که اسلام، بر تمام ادیان غالب خواهد شد و در زمین، مستقر و پابرجا می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با دین آینده جهان می فرماید: «در آن روز، آیین مقدس اسلام، سراسر روی زمین را فرا می گیرد، حکومت از دست کفار گرفته شده و حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود». (هاشمی شهیدی، بی تا، ص ۳۶۰)

همچنین تصریح بسیاری از روایات این است که در زمان امام مهدی علیه السلام دین اسلام همه کره زمین را فرا گرفته و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد شد. امام علی علیه السلام عصر ظهور را عصر فراگیر شدن اسلام دانسته که همگان در برابر حضرت مهدی علیه السلام تسلیم می شوند، کافری نمی ماند مگر اینکه ایمان می آورد و بدکاری نمی ماند مگر اینکه به نیکی ها رومی آورد. ایشان می فرماید:

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَكَلَبَ مِنَ الدَّهْرِ وَجَهْلٍ مِنَ النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَأَيْكَتَيْهِ وَبِعَصْمِ أَنْصَارِهِ وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا يَمْلَأُ الْأَرْضَ

قِسْطًا وَعَدْلًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا يَبْقَى كَافِرًا إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا ظَالِمًا إِلَّا صَلَحَ.

خداوند در آخرالزمان، روزگار سخت و دشوار و جهل غالب مردم، مردی را مبعوث فرماید که او را توسط فرشتگانش تأیید و یارانش را حفظ کرده و با آیات و معجزات خود، او را نصرت بخشد و او را بر تمام اهل زمین غالب و چیره سازد به نوعی که همه مطیع او شوند چه با میل چه با کراهت. او زمین را پراز قسط و عدل و نور و برهان کند، تا جایی که تمام سرزمین‌ها پیرو او شوند، همه کافران به او ایمان آورده و مردم تبه‌کار صالح شوند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۰/۵۲)

از این روایت دریافت می‌شود که سرانجام دین اسلام همه کره زمین را فرا گرفته و بر همه ادیان جهان پیروز خواهد شد و این در هنگامی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کرده و حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد. در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، مردم به طور بی سابقه‌ای به اسلام روی خواهند آورد و روزگار خفقان و سرکوب دین‌داران و ممنوعیت مظاهر اسلامی به سر می‌آید. در همه جا آوای اسلام طنین‌انداز خواهد شد و آثار مذهب تجلی می‌کند. حدیقه بن یمان از قول پیامبر صلی الله علیه و آله رضایت اهل آسمان و زمین از خلافت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را چنین گزارش کرده است:

مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان من است، سیمایش مثل ماه شب چهارده است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ستم لبریز شده است. اهل آسمان‌ها، اهل زمین و پرنندگان در هوا از خلافت و حکومت جهانی او راضی و خشنود هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۱/۵۱)

در این حدیث، دوبار واژه زمین و یک بار واژه مردم آمده است. این دو، جهانی بودن و جهانی شدن اقدامات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را می‌رساند. او زمین را پراز عدالت کرده و زمینیان از او رضایت دارند. ثروت را بین مردم با رعایت مساوات توزیع می‌کند. هرگز سخن از یک کشور یا یک ملت در گوشه‌ای از کره زمین نیست، بلکه تحول جهانی است و خشنودی مردم جهان را که از بی‌عدالتی، ظهور ظلم، تبعیض، شکاف‌های طبقاتی و توزیع نادرست ثروت، خسته و بیزارند به همراه دارد. نزول عیسی بن مریم علیه السلام در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و همکاری با ایشان در انقلاب جهانی مهدوی در متن احادیث نبوی به صراحت برای همگان بیان شده است. در قرآن مجید نیز این حقیقت بیان شده است، البته در پرتو تفسیر قرآن با حدیث است که آشکار می‌شود و پیام قرآن در ارتباط با این موضوع با کمک رهنمودهای امامان معصوم علیهم السلام قابل درک می‌شود. قرآن کریم درباره سرنوشت حضرت عیسی بن مریم علیه السلام می‌فرماید:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ

إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا.

و نیز گفته آنها که ما مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا را کشتیم در حالی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، ولی کار بر آنها مشتبه شد و خیال کردند در جنگ کشته شد، یا شخص دیگری به قیافه او کشته شد یا عیسی نامی، مدعی نبوت پس از مدتی کشته شد و حتما کسانی که درباره او اختلاف دارند در این باره در شک و تردیدند و جز پیروی ظن و گمان، هیچ علمی بدان ندارند و یقینا او را نکشتند. (نسا: ۱۵۷)

از این آیه سه نکته را می توان برداشت کرد:

- حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام کشته نشده و نمرده و به دار آویخته نشده است؛

- حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به آسمان در نزد خدا، بالا رفته و زنده است؛

- اهل کتاب پیش از مرگ مسیح عَلَيْهِ السَّلَام به او ایمان می آورند.

منظور قرآن این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام پیش از مرگ او ایمان می آورند، یهودیان او را به نبوت می پذیرند و مسیحیان نیز دست از الوهیت او می کشند. این در زمانی است که حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام طبق روایات اسلامی در موقع انقلاب حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی از آسمان فرود می آید و پیش از رحلت ایشان، همه اهل کتاب به او ایمان آورده اند و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در انقلاب جهانی حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی نیز ایمان می آورند. روشن است که یهودیان به حکم اینکه آیین آنها پیش از آیین مسیحیت بوده، باید به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام ایمان آورند و مجموعه یهودیان و مسیحیان نیز به حکم اینکه آیینشان مربوط به گذشته بوده که با آمدن اسلام، تاریخ آنها سپری شده، وظیفه دارند در زمان انقلاب جهانی مهدوی به آیین حق و نهایی مکتب اسلام ایمان بیاورند، همان طور که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به حکم اینکه آیینش مربوط به گذشته بوده، وظیفه دارد به آیین اسلام که رهبر و مجری آن حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی است، ایمان آورد. از عوامل سرعت گسترش اسلام در انقلاب جهانی مهدوی، فرود آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و شناسایی ایشان توسط همه اهل کتاب، یهودیان، مسیحیان و روی آوردن همه آنها به او و ایمان به شخصیت آن حضرت است. ایمان آوردگان به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام به اسلام و انقلاب جهانی امام مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی ایمان می آورند و جهانی شدن اسلام و جهانی سازی اسلامی روی می دهد و آیین جهانی، جاویدان و جامع اسلام بر سراسر جهان حاکم خواهد شد. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام درباره این سخن خدای متعال: «وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمننَّ به قبل موته و يوم القيامة يكون عليهم شهيداً» (نساء: ۱۵۹) می فرماید:

عیسی پیش از روز قیامت به دنیا فرود می آید و اهل هیچ ملتی باقی نمی ماند، مگر اینکه

پیش از مرگشان به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام ایمان می‌آوردند و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پشت سر حضرت مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف نماز می‌گزارد. (قندوزی، بی تا، ۲۳۷/۳)

براساس این حدیث شریف، ایمان اهل کتاب به حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام زمانی روی می‌دهد که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پشت سر حضرت مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف نماز گزارد و با اقتدا به حضرت مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف پیروان خود را به یاری حضرت مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف و ایمان به آیین اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدایت می‌کند. امام مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف به توسعه و گسترش اسلام ناب بر روی زمین اقدام می‌کند و سایر توسعه‌ها مانند توسعه سیاسی و اقتصادی به پیروی از توسعه اسلام و در سایه توسعه دین، پدید خواهد آمد. او آیین اسلام را در جهان گسترش می‌دهد. وقتی امام عصر عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف ظهور کند در دنیا هیچ یهودی و نصرانی و هیچ یک از آنان که غیر خدا را پرستش می‌کنند، باقی نخواهند ماند مگر اینکه به آن حضرت ایمان آورده و او را تصدیق خواهند کرد و آن روز یک دین در سراسر عالم خواهد بود و آن دین مقدس اسلام است. (صمدی، ۱۳۹۳، ص ۹۰)

۸. نتیجه‌گیری

سیره دینی امام مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف در عصر ظهور، همان سیره جدش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ براساس حاکمیت دین اسلام و اجرای عدالت است؛ زیرا مأموریت اصلی حضرت، تحقق کامل دین پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعالی و شکوفایی جامعه دینی در عصر ظهور است. براساس وعده تخلف ناپذیر الهی، دین مرضی او توسط امام مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف بر همه ادیان پیروز شده و ظفر مندانه بر عالم و آدم، فروغ توحید می‌افکند به گونه‌ای که فرزندان آدم، دینی جز دین واحد نداشته باشند. جهان، روزی را در پیش دارد که در آن روز، تمام کشورهای کوچک و بزرگ به یک کشور تبدیل می‌شود، مرزهای جغرافیایی کشورها برداشته شده و حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی تشکیل می‌شود و بر تمام جهان یک دین و آیین، یک قانون اساسی و یک رهبر حکومت می‌کند. به این ترتیب، اسلام دوباره احیا می‌شود. چون امام زمان عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف برای برافراشتن پرچم اسلام و حاکمیت قرآن در تمام جهان ظهور خواهد کرد، روش حکومتی او براساس قرآن و سیره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام خواهد بود. از کارکردهای مهم امام مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ الشَّرِيف در عرصه دینی، زدودن بدعت‌ها، تصحیح انحرافات و حذف برداشت‌های غیراسلامی و نادرستی است که به نام اسلام و به مرور زمان به جامعه القا شده و در مبانی دین، تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات سپهر.
- * نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح.
۱. احمدی نژاد، فاطمه، و سلطانی نژاد، محمد مهدی (۱۳۹۴). ویژگی‌های حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در قرآن، مجله کوثر، ۵۳، ص ۷.
 ۲. اسدعلی زاده، اکبر (۱۳۸۳). روش حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مجله مبلغان، ۵۸، ص ۹۲.
 ۳. برقی، احمد بن خالد (۱۴۷۰). المحاسن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۴. برنجیان، جلال (۱۳۸۰). آینده جهان. تهران: مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت ع لاحیاء التراث.
 ۶. حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا). انبیا الهداه. قم: چاپخانه علمیه.
 ۷. حکیمی، محمد (۱۳۸۱). عصر زندگی، چگونگی آینده انسان و اسلام. قم: بوستان کتاب.
 ۸. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی (۱۴۱۲). تفسیر نور الثقلین. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۹. زنجانی، ابوعبدالله (۱۳۷۰). تعلیقه بر اوائل المقالات. بی جا. بی تا.
 ۱۰. سقازاده، سید محمد (۱۳۸۵). اصلاحات در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، مجله حدیث زندگی، ۲۸ - ۲۸ - ۳۲.
 ۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳). الخصال. قم: انتشارات اسلامی.
 ۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. نجف اشرف: المکتبه الحیدریه.
 ۱۳. صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۲). آخرین منجی، شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: انتشارات بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
 ۱۴. صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۳). سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: انتشارات بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه.
 ۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶). الاجتجاج. نجف اشرف: دارالعمان.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
 ۱۸. عابدی، حمید (۱۳۸۸). زندگی در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
 ۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا). تفسیر العیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
 ۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
 ۲۱. قفاری، ناصر بن عبدالله (بی تا). اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه. بی جا: انتشارات دارالرضا.
 ۲۲. قمی مشهیدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۲۳. قندوزی، سلیمان (بی تا). ینابیع الموده لذوی القربی. قم: دار الأسوه.
 ۲۴. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۹). تاریخ عصر غیبت. قم: آینده روشن.
 ۲۵. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴). الاختصاص. بیروت: دارالمفید.
 ۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۱). تقیه سیری برای مبارزه عمیق تر. قم: نسل جوان.
 ۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۹. ملامحسنی، محمدعلی (۱۳۸۱). سیره حکومتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مجله صباح، ۲۱، ص ۴.
 ۳۰. نجفی، سید بهاء الدین (۱۴۲۰). منتخب الانوار المضیئه. قم: مؤسسه الإمام الهادی ع.
 ۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الغیبه. قم: انوار الهدی.
 ۳۲. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۷۵). رفاه اقتصادی و معیشتی، مجله موعود، ۱، ص ۱۱.
 ۳۳. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۸۴). جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، مجله پژوه، ۱۳، ص ۱۴۱.
 ۳۴. هاشمی شهیدی، اسدالله (۱۳۸۴). ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.